

باز آفرینی بافت تاریخی شهر کرمان با تأکید بر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حس رضایت (نمونه‌موردی: محلات ارگ - گنجعلیخان، مظفری، قلعه محمود، شورا)

دریافت مقاله: ۹۷/۲/۲۵ پذیرش نهایی: ۹۸/۲/۱۶

صفحات: ۱۵۶-۱۳۱

میترآ قربی : کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد، یزد، ایران.

Email: mitraghorbi@gmail.com

مریم نقوی : کارشناسی ارشد آمار ریاضی دانشگاه شهید باهنر کرما، کرمان، ایران.

Email: dadehkavy@gmail.com

حمید محمدی: استادیار و عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه یزد، یزد، ایران.^۱

Email: hamidmoham@gmail.com

چکیده

بازآفرینی شهری، داستان تعامل و گاه تضاد اولویت‌های اقتصادی و فرهنگی بوده و این موضوع در بستر تغییر پارادایم‌ها و الگوهای حاکم بر نظام‌های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی رخ داده است. نقش فرهنگ در بازآفرینی شهری نسبت به دیگر عوامل تغییر معناداری داشته است؛ از طرفی دیگر کیفیت محیط ساخته‌شده و میزان رضایت‌مندی از سکونت می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری سیاست‌های بازآفرینی برای محدوده‌های هدف داشته باشد؛ بنابراین هدف این پژوهش، بررسی نقش متغیرهای سازنده کیفیت محیط (محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی) در میزان رضایت از سکونت در محله‌های فرهنگی شهر کرمان، جهت ارتقاء فرآیند بازآفرینی می‌باشد. روش این پژوهش از نظر هدف از نوع کاربردی - توسعه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی و علی تطبیقی می‌باشد. ابزار مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بوده و اطلاعات در نمونه‌ای به حجم ۵۱۳ نفر مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای اقتصادی با متغیرهای کالبدی و اجتماعی و در نتیجه حس رضایت‌مندی و رابطه معکوس و معناداری بین متغیرهای اقتصادی و محیطی تأثیرگذار بر حس رضایت‌مندی وجود دارد. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز نشان می‌دهد که با بهبود وضعیت متغیرهای اقتصادی، کالبدی و محیطی، وضعیت متغیرهای اجتماعی و حس رضایت پاسخگویان در محله‌های مورد بررسی نیز افزایش می‌یابد و در میان روابط مورد بررسی، متغیرهای اقتصادی نسبت به متغیرهای کالبدی و محیطی تأثیر بیشتری بر متغیرهای اجتماعی و در نهایت حس رضایت داشته‌اند. در نتیجه با برنامه‌ریزی و کاربست سیاست‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا و اقدام صحیح و مؤثر می‌توان اثرات منفی هر یک از این عوامل چهارگانه در محلات مورد بررسی را کاهش داده و در نتیجه با افزایش رضایت‌مندی، سرزندگی و پایداری را در محلات مورد بحث افزایش داد.

کلید واژگان: حس رضایت، بازآفرینی، فرهنگ، بافت تاریخی کرمان.

۱. نویسنده مسئول: یزد، خیابان امام خمینی، کوچه سهل بن علی، دانشکده هنر و معماری، تلفن همراه: ۰۹۱۲۹۳۶۹۴۷۰

مقدمه

بازآفرینی فرهنگ مبنا را می‌توان اصلی‌ترین رویکرد بازآفرینی شهری در دو دهه اخیر دانست. کاربست فرهنگ در جایگاهی راهبردی و با هدف دستیابی به ساز و کاری اقتصادی و پررونق که می‌تواند متضمن اهداف توسعه‌ای باشد و چهره‌ای فرهنگ‌گرا برای شهرها ترسیم کند، رویه‌ای است که در چارچوب بازآفرینی شهرها به آن اهمیت فراوانی داده شده است. بازآفرینی فرهنگ مبنا، با طرح مفاهیم پایه‌ای مانند استفاده از حوزه‌های نوآورانه‌ی اقتصادی به این نکته اساسی می‌رسد که می‌توان در بافت‌های درونی و هسته‌های مرکزی شهرها، با اطمینان به نتایج فرآیند بازآفرینی، از رهیافت فرهنگی و ویژگی‌های مثبت آن بهره جست (ساکو و همکاران^۲، ۲۰۰۷: ۴). این رهیافت، به کالبد دیروز احترام می‌گذارد و ساختارهای نو را در هم‌خوانی با ساختارهای دیروز، به این ترکیب می‌افزاید و محتوا و کارکردی را ارائه می‌دهد که روستا ساخت آن جریان فرهنگی و اجتماعی و زیرساخت آن، سازوکاری کاملاً اقتصادی و پربازده است. امروزه اگرچه بازآفرینی فرهنگ مبنا در مفهوم و عمل با انتقاداتی روبرو است اما برای سیاست‌گذاران فرهنگ همچنان عاملی کلیدی برای ارتقای کیفیت زندگی و رضایتمندی از فضای شهری برای زنان و مردانی است که می‌خواهند به خواسته‌های فرهنگی و اجتماعی خود دست یابند و مباحثه فرهنگی بین آن‌ها درگیرد (کمپبل و همکاران^۳، ۲۰۱۷: ۴۹). هدف، ارتقاء فرهنگ، جذب سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی و جلب مشارکت مردم در فعالیت‌های فرهنگی است (استیونسون^۴، ۲۰۰۳: ۱۰۴-۱۱۲).

یکی از اهداف بازآفرینی ارتقای کیفیت محیط سکونت و پرنگ‌تر کردن جایگاه عوامل اجتماعی-اقتصادی در زندگی انسان‌ها است که همراه با سایر مفاهیم نوین اجتماعی مانند رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی و عدالت محیطی در قلمرو برنامه‌ریزی به طور اعم و برنامه‌ریزی شهری به طور ویژه مطرح می‌گردد. ارتقاء کیفیت محیط شهری و سکونت یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر کیفیت زندگی مردم و میزان رضایتمندی آن‌ها از محیط است (بوناییتو و فورنارا^۵، ۲۰۱۷: ۲۷۶) که این مهم خود از تأثیرگذارترین عوامل در پیش برد استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا نیز به شمار می‌رود.

هسته مرکزی بافت تاریخی شهر کرمان نیز با توجه به دارا بودن عناصر ارزشمند و تاریخی از پتانسیل بالایی در این راستا برخوردار است؛ اما متأسفانه فشارهای ناشی از گسترش شهر، غفلت از بافت تاریخی و نگاه موزه‌ای به فضاها و عناصر تاریخی سبب شده است تا بناهای تاریخی به صورت مستقل دیده شده و ارتباط آن‌ها با زندگی مردم و شهر قطع گردد؛ بنابراین هسته اصلی این پژوهش، تلاش برای بازشناسی منابع فرهنگی و عناصر کالبدی تولیدکننده آن در محله‌های فرهنگی کرمان، چگونگی کاربرد عناصر سخت و نرم و منابع فرهنگی مؤثر در برنامه‌ریزی فضاهای شهری با در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر حس رضایتمندی از سکونت در محله‌های فرهنگی کرمان می‌باشد. بر این اساس بازآفرینی شهر کرمان با توجه با عوامل سازنده کیفیت محیط و در جهت ایجاد حس رضایت در محله‌های فرهنگی با رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی صورت می‌گیرد تا بتوان فضاهایی را

2. Sacco et al.
3. Campbell et al.
4. Stevenson
5. Bonaiuto, Fornara

خلق کرد که ضمن تولید، به احیا و بازسازی اقتصاد، اجتماع و فرهنگ شهری موجود و مورد نظر جامعه پردازد. در این بین باید به این موضوع توجه کرد که فعالیت‌ها و تسهیلات فرهنگی می‌توانند در توسعه فرصت‌های جدید برای شهروندان دخیل بوده و با بسط پیوندها و ارتباطات و در نتیجه با گسترش سرمایه اجتماعی در درون جمعیت محلی، سبب‌ساز بهبود سرمایه انسانی شوند.

فرهنگ به طور معمول نیروی محرکه‌ای بیرونی برای احیاء و نجات هسته‌های شهری ناکارآمد بوده است. به این معنا از فرهنگ، صنایع فرهنگی، صنایع خلاق و انواع رویدادها به عنوان عاملی برای به گردش درآوردن چرخ از حرکت ایستاده‌ی حیات شهری استفاده شده است. تجربیات جهانی نشان داده است نگاه صرف کالبدی به شهر و خصوصاً بافت قدیم جوابگوی نیازهای مردم نیست. در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی علاوه بر دید کالبدی رویکرد فرهنگی را نیز وارد برنامه‌ریزی کرده‌اند شهرهایی مانند پاریس، مالمو در سوئیس و لندن نمونه‌هایی از ترکیب برنامه‌ریزی کالبدی و فرهنگی هستند.

شهر کرمان مانند اکثر شهرهای ایران و کشورهای جهان سوم تحت تأثیر موج مدرنیسم و تفکرات آن‌ها در تهیه طرح‌های توسعه شهری قرار گرفت که به یک‌باره رشد و توسعه شهر را دستخوش تغییرات زیادی کرد. کمتر به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی شهر در طراحی و برنامه‌ریزی توجه شده است، به‌خصوص در ساماندهی فضاهای شهری بافت قدیم کرمان توجه و استفاده از عناصر دارای پتانسیل‌های بالای فرهنگی و ایجاد ارتباط فضایی میان این عناصر، با طراحی فضاهای هدفمند و نمادهای فرهنگی مناسب به‌منظور تولید و احیاء فرهنگ، اگر نگوییم نایاب بسیار کمیاب است. رکود اقتصادی بافت تاریخی خروج ساکنین از بافت و جایگزینی ساکنانی که هیچ تعلق به بافت ندارند، آوردن و ترویج فرهنگ‌های بیگانه و ناهمگون با بافت، نزول زیرساخت‌های اجتماعی و... ظهور بازآفرینی فرهنگ مبنا را در بافت تاریخی ضروری می‌سازد. این محلات که در ادوار مختلف شکل گرفته و در خود پتانسیل‌های فرهنگی و اجتماعی زیادی دارند که می‌توان با استفاده مناسب و توجه به نقش آن‌ها در زندگی ساکنان، به کیفیت محیط سکونت افزود. از این‌رو اندازه‌گیری کیفیت درک شده از محیط‌های مسکونی و بررسی میزان رضایتمندی از محیط سکونت و همچنین توجه به این شاخص در شهرها به دلیل نقش آن به عنوان ابزاری کارآمد در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و به‌طور کلی تعیین میزان قابل زیست بودن شهرها از ضرورت بالایی برخوردار است که می‌تواند به یکی از حوزه‌های مطالعات شهری در شهرهای ایران تبدیل شود تا بتوان گامی مؤثر در راستای ارتقا کیفیت زندگی فردی و اجتماعی و فرهنگی در محلات برداشت.

رضایتمندی سکونتی از آنجا که بخشی از حوزه‌ی رضایتمندی از زندگی در معنای عام می‌باشد، یکی از مطالعه شده‌ترین موضوعات در زمینه‌ی محیط مسکونی محسوب می‌شود (جی و هوکائو، ۲۰۰۶). مروری بر متون نظری و پژوهش‌های انجام شده در زمینه کیفیت محیط‌های مسکونی شهری نشان‌دهنده تأکید اکثر محققان و صاحب‌نظران بر نظریه رضایتمندی سکونتی به عنوان رهیافتی مناسب و کارآمد در سنجش میزان کیفیت محیط است (فونگ و لی، ۲۰۱۴: ۱۹۱). به عبارتی برخی پژوهش‌ها رضایتمندی سکونتی را معیاری از کیفیت

6. Ge and Hokao

7. Fung and Lee

زندگی به شمار آورده و بیشتر از جنبه کالبدی به آن نگرسته‌اند؛ برخی دیگر رضایتمندی از سکونت را نوعی پیش‌بینی کننده تنوع رفتاری قلمداد می‌کنند؛ به گونه‌ای که در ارتباط با رفتار افراد است و بیشتر جنبه ذهنی دارد (جنسن^۸، ۲۰۱۴: ۳۳).

در مطالعات نخستین رضایتمندی سکونتی، نگاه محققان به موضوع غالباً تک‌بعدی دنبال شده است. به عنوان مثال برخی از محققان، ادراک را مبنای مراحل درک میزان رضایتمندی افراد توصیف کرده‌اند، بدین گونه که شخص با توجه به مجموعه‌ای از نیازها و آرزوهایی که دارد، شرایط فعلی سکونتی‌اش (واحد مسکونی/ واحد همسایگی) را ارزیابی می‌کند. در تحقیقی که توسط اشمید و همکارانش (۱۹۷۹) صورت گرفت، ویژگی‌های فردی همچون طبقه اجتماعی، مرحله زندگی و نظایر آن و نیز معیارهای فرهنگی تأثیرگذار بر روی فرد، فراهم آورنده میزان و نوع نیازها و آرزوهای یک شخص معرفی شد (اشمید و همکاران^۹، ۱۹۷۹).

اکثریت قریب به اتفاق مطالعات انجام شده فرض را بر این گذاشته‌اند که رضایت از محیط تحت تأثیر سه بعد ویژگی‌های مسکن، ویژگی‌های محله و موقعیت نسبی نسبت به امکانات مختلف می‌باشد. به عنوان مثال هی و یانگ (۲۰۱۱) و هانگ و دو (۲۰۱۵) و رن و فولمار (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که امکانات و ویژگی‌های اجتماعی مناسب تأثیر زیادی بر رضایت از محیط دارند. عوامل اجتماعی مانند میزان جرم و جنایت، امنیت و ترکیبات قومی و قبیله‌ای به عنوان عوامل تأثیرگذار اجتماعی شناخته می‌شوند. عوامل دیگری مانند مدت سکونت (دین، رسولی و تیمرمن^{۱۰}، ۲۰۱۴؛ وزیری، یوسف و عبدرحیم^{۱۱}، ۲۰۱۴)، میزان اعتماد به همسایه‌ها، مشارکت (هو^{۱۲}، ۲۰۱۳؛ هوانگ و هکاران^{۱۳}، ۲۰۱۵) به عنوان عوامل مؤثر در کیفیت محیط در نظر گرفته شده‌اند. در ادامه خلاصه‌ای از عوامل تأثیرگذار بر رضایتمندی سکونتی از نظر برخی صاحب‌نظران این بحث جمع‌بندی و در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱). شاخص‌های سنجش کیفیت محیط سکونت از دیدگاه محققین مختلف

محقق	عوامل مؤثر بر رضایتمندی سکونتی
جیانگ، فنگ، تیمرمنز، لی (۲۰۱۷)	عوامل فیزیکی مانند اندازه مسکن، دسترسی به خدمات، دسترسی به جاده اصلی، عوامل جمعیت شناختی مانند سن و جنسیت، عوامل قومی، مالکیت، تحصیلات، طول مدت سکونت، حمایت‌های دولتی از نوسازی و بهسازی خانه‌های تاریخی و فرسوده
حبیبی پور، کوچکی، حسینی، یزدان فر، نوروزیان (۲۰۱۷)	عوامل فیزیکی از جمله شکل، رنگ، مصالح و بافت، عوامل طبیعی از جمله نور روزانه و شبانه، گل و گیاه، آب، عوامل روحی روانی مانند امنیت خانواده، آرامش، دید و چشم‌انداز و عوامل خدماتی و سرویسی مانند تجهیزات فرهنگی و ورزشی، علائم و تابلوها و ...
آدو (۲۰۱۶)	فاصله تقریبی به محل کار، مغازه‌ها، ایستگاه اتوبوس، هزینه خانه، خدمات مورد نیاز خانه، دسترسی به خدمات تفریحی، حمایت جامعه، نزدیکی به دوستان و آشنایان، روابط اجتماعی
خائف و زبردست (۲۰۱۵)	سلامت محیطی، آلودگی، بهداشت محیطی، پاکیزگی، ایمنی و امنیت، دسترسی به مراکز آموزشی، مراکز خرید، بهداشتی و خدماتی، دسترسی به وسایل نقلیه عمومی و خصوصی، فضای سبز

8. Jansen

9. Schmidt et.al

10. Dane, Rasouli, & Timmermans

11. Waziri, Yusof, & Abd, Rahim

12. Hu

13. Huang et al

محیط و عظیم (۲۰۱۰)	سرویس‌های خدماتی و محیط اجتماعی، امنیت
آبیم (۲۰۱۳)، آمول (۲۰۰۹) و ارادی، کاروزا (۲۰۰۰)، ورا توسکانو، آمستوی (۲۰۰۸)	سن، درآمد و ویژگی‌های شخصی
ها و وبر (۱۹۹۴)	دسترسی به خدمات و تسهیلات عمومی واحد همسایگی
جی، هوکا (۲۰۰۶)	هم‌جواری با طبیعت، دید به فضای سبز
السینگا و هوکسترا (۲۰۰۵)	مالکیت خانه‌ها و ویژگی‌های اقتصادی خانوارها
فرانچسکاتو (۲۰۰۲)	ویژگی‌های عینی محیط، مشخصات فردی، ادراک، باورها و اعتقادات، نیت فردی، احساس
کمپل (۱۹۹۶)	سکونتگاهی پاک، ایمن، واجد آزادی فضایی، تنوع، حیات محله‌ای
ویدرمن و اندرسون (۱۹۸۵)	بعد ادراکی شامل شناخت، ادراک و عقاید افراد و بعد رفتاری نیز دربرگیرنده نیت و تمایلات رفتاری انسان‌ها
ماراناس و راجرز (۱۹۷۵)	ویژگی‌های عینی و ذهنی شرایط کالبدی و اجتماعی
روچک (۱۹۷۵)	درک محیط ساکن و ویژگی‌های محیطی

هدف اصلی این مقاله، بررسی رابطه بین متغیرهای محیطی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی جهت سنجش رضایت‌مندی از سکونت در محلات واقع در محله‌های فرهنگی شهر کرمان می‌باشد تا بر این اساس و در جهت تقویت ویژگی‌های هر محله استراتژی‌های بازآفرینی فرهنگ مینا شکل گیرند. در این راستا اهداف خرد شامل ۱- شناسایی محله‌های فرهنگی و تحلیل منابع فرهنگی به عنوان ثروت و دارایی بافت تاریخی کرمان و ۲- سنجش رضایت‌مندی در محله‌های فرهنگی کرمان و ۳- شناسایی عوامل مؤثر در افزایش رضایت‌مندی جهت ارتقای کیفیت محیط و دستیابی به گزینه‌های مناسب بازآفرینی می‌باشد. در این راستا و با توجه به موارد مطرح شده سؤالات پژوهش عبارت‌اند از: ۱- چگونه تغییرات اقتصادی بر حس رضایت‌مندی از محله تأثیرگذار است؟ و ۲- چگونه سیاست‌های بازآفرینی با تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی، محیطی کالبدی و اجتماعی بر حس رضایت‌مندی از سکونت در محلات مختلف تأثیرگذار است؟

مبانی نظری

رضایت‌مندی از سکونت

سنجش رضایت‌مندی به عنوان یکی از روش‌های کارآمد ارزیابی موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های شهری مطرح می‌شود و تحقیقات گسترده‌ای را با خود به همراه داشته است و از یک‌طرف معیاری برای ارزیابی رضایت‌مندی از محله و واحدهای همسایگی است (کسلخه و داداش پور^{۱۴}، ۲۰۱۲ و جیانگ و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۷) و از طرف دیگر ابزاری برای سنجش محیط سکونت به جهت اینکه نیازها، انتظارات و آرزوهای ساکنان خود را برطرف می‌کند (بوناییتو و فورانا، ۲۰۱۷ و عبدل محیط و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۰).

معماران رضایت سکونتی را رضایتی می‌دانند که فرد پس از رفع نیازها و پاسخ به انتظاراتش از محیط مسکونی احساس می‌کند. در تئوری مکان که در روانشناسی محیطی مطرح می‌شود، رضایت‌مندی ساکنان را با تجربه‌ی

14. Kesalkkeh and Dadashpoor

15. Jiang et al

16. Mohit et al

خشنودی یا لذت ناشی از زندگی در مکانی خاص می‌توان مشخص نمود (بونایتو^{۱۷}، ۲۰۰۳: ۴۲). رضایت‌مندی، اغلب جهت ارزیابی ادراکات و احساسات ساکنین از واحد مسکونی و محیط زندگی خویش به کار می‌رود. از دید پژوهشگرانی مانند ورودی و کروزا، گلاستر و هسر، رضایت‌مندی از محیط سکونتی به طور مستقیم به میزان رضایت در دو جزء واحدهای مسکونی و واحدهای همسایگی و به طور غیرمستقیم به ویژگی‌های شخصی، فرهنگی، اجتماعی و سایر ویژگی‌های مخاطب بستگی دارد (گلاستر و هسر^{۱۸}، ۱۹۸۱ و وارادی و کاروزا^{۱۹}، ۲۰۰۰).

رضایت‌مندی سکونتی به عنوان یک پدیده اجتماعی پیچیده به شمار می‌آید که مفهوم آن از مفهوم مسکن و محیط اطراف آن پدیدار گشته است. این نظریه بر پایه تفاوت بین زندگی واقعی خانواده‌ها و آرزوی آن‌ها از شرایط و موقعیت واحدهای مسکونی و محیط اطراف آن شکل گرفته است، رضایت‌مندی زمانی حاصل می‌گردد که آرزوها و خواسته‌ها در یک سو و هم‌جهت با هم باشند (گوش^{۲۰}، ۲۰۰۶: ۲۰۷). کمپبل (۱۹۸۶) میزان رضایت‌مندی را به صورت تفاوت بین آنچه شخص آرزو دارد و آنچه بدان دست می‌یابد، تعریف می‌کند، بنابراین شهری که بستر زیست بشر می‌باشد و نقش اساسی در ایجاد احساس رضایت‌مندی داشته و در واقع شکل‌دهنده سبک زندگی انسان و تعیین‌کننده کیفیت زندگی شهروندان است (اسمیت و لوورمور^{۲۱}، ۲۰۰۸: ۵۹).

به طور کلی نظریه رضایت‌مندی سکونتی به عنوان شاخصی مهم به منظور بررسی کیفیت سکونت و با هدف تعیین یک چارچوب راهنما برای شناخت خصوصیات ساختاری خانوارها و بافت محل سکونت آن‌ها اعم از خانه و محله که بر جوانب گوناگون رضایت‌مندی تأثیرگذار است، به کار می‌رود (چن و همکاران^{۲۲}، ۲۰۱۳: ۱۰۴). اهمیت آن را می‌توان در موارد زیر مشاهده نمود:

- ۱- رضایت‌مندی از محیط سکونت به عنوان عاملی تأثیرگذار در کیفیت زندگی فردی شناخته شده است.
 - ۲- شاخصی مناسب برای ارزیابی نوع رفتار افراد نسبت به سکونت و محیط اطراف آن است و نشان می‌دهد ساکنان به چه میزان از محیط اطراف خود آگاه‌اند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند.
 - ۳- عاملی تأثیرگذار بر جابجایی افراد است که در برخی موارد باعث جابجایی در مقیاس بالاتر مانند جابجایی و مهاجرت ساکنان از شهری به شهری دیگر می‌شود (عبدالغنی و نورایینی^{۲۳}، ۲۰۰۶: ۱۴).
- رضایت‌مندی سکونتی عبارت است از نمایش عددی شاخص‌های عینی و انتزاعی سکونت که از تفریق عددی در بردارنده اهمیت یک خانه ایده آل از عددی که شرایط فعلی خانه را نمایش می‌دهد، به دست می‌آید. ارزیابی شاخص‌های سکونتی از فردی به فرد دیگر متفاوت است، زیرا افراد مختلف پاسخ‌های متفاوتی بر اساس درک واقعیت می‌دهند (مارانز^{۲۴}، ۲۰۱۲: ۵۸). در حقیقت رضایت‌مندی از محیط سکونت به عنوان مفهومی مرکب، نمایانگر رضایت فرد از واحد مسکونی، محله و ناحیه سکونتی اوست و اغلب برای ارزیابی ادراکات و احساسات

17. Bonaiuto
18. Glaister & Hesser
19. Varady & Carrozza
20. Gosh
21. Smith & Levermore
22. Chen et al.
23. Abdul Ghani and Noraini
24. Marans

ساکنان از واحد مسکونی و محیط زندگی به عنوان احساس رضایت حاصل از رسیدن فرد به نیازهای سکونتی خویش به کار می‌رود (تو و لین^{۲۵}، ۲۰۰۸:۱۶۶). این مفهوم به عنوان شاخصی مهم به روش‌های مختلف به وسیله برنامه ریزان، معماران، توسعه‌گران و سیاست‌گذاران به کار می‌رود (عبدل محیط و همکاران، ۲۰۱۰). شاخص رضایت‌مندی سکونتی را می‌توان به عنوان یک پیش‌بینی کننده کلیدی در زمینه ادراک‌های فردی از شاخص جابجایی و همچنین معیار سنجش برای ارزیابی میزان موفقیت ساخت‌وسازهای انجام شده به وسیله بخش‌های عمومی و خصوصی و نیز ابزار سنجش ادراک‌های ساکنان نسبت به کفایت داشتن یا نداشتن وضعیت فعلی محیط سکونت خود به‌منظور بهبود شرایط سکونتی آن‌ها به کار برد (چن و همکاران، ۲۰۱۳:۱۰۴).

بازآفرینی شهری

بازآفرینی به طور اساسی یک شیوه برنامه‌ریزی برای معاصر سازی، ارتقاء و یکپارچه‌سازی محیط‌های تاریخی با موارد جدید، مدرن و موفق به لحاظ اقتصادی (سعید^{۲۶}، ۲۰۱۳:۴۲۰) و در واقع پاسخگویی به مجموعه‌ای خاص از مسائل و مشکلات است که به طور معمول با فقر یا فقدان در ارتباط هستند (دارگان^{۲۷}، ۲۰۰۷:۳۴۷). این مفهوم به روشنی از دل واژه بازآفرینی قابل برداشت است. بازگرداندن و بازآفرینش آنچه در دوره‌های پیشین وجود داشته و به زندگی شهری شکل می‌داده است، دغدغه و رسالت اصلی بازآفرینی است.

رابرتز در مقدمه کتاب بازآفرینی شهری یکی از جامع‌ترین نگرش‌ها را در تعریف بازآفرینی ارائه نموده است: بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. بازآفرینی شهری، عبارت است از دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بینجامد، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به وجود آورد (رابرتز^{۲۸}، ۲۰۰۰:۱۹).

بازآفرینی شهری یک رویکرد جامع، یکپارچه و کل‌نگر است که سه هدف (اقتصاد، برابری و محیط) را در برمی‌گیرد؛ با حفظ رقابت اقتصادی، کاهش نابرابری، حفاظت و نگهداری محیط‌زیست که حاکی از نسل جدیدی از مشارکت‌ها برای توسعه سیاست‌ها شامل شکل‌های نوآورانه‌ای از بخش خصوصی-عمومی و سازمان‌های غیردولتی می‌باشد (گیبسون و کوکاباس^{۲۹}، ۲۰۰۱:۴۵). در سیر تکاملی بازآفرینی از توسعه کالبدی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ میلادی و سپس دوره رفاه اجتماعی در دهه ۶۰ میلادی گذر کرده، تسلط دیدگاه‌های اقتصادی بر توسعه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی را ملاحظه نموده و آنگاه تا مقوله مشارکت اجتماعات محلی (که به نوعی از بنیان‌های پایداری اجتماعی محسوب می‌گردد) پیش می‌رود و تجلی آن را در دهه آغازین قرن حاضر میلادی در "مکان‌های پایدار" که نقطه ثقل پایداری اجتماعی است، لحاظ می‌نماید (کولانتینو و دیکسون^{۳۰}، ۲۰۱۱:۱۹)؛ بنابراین تکامل بازآفرینی شهری در راستای "خودکفایی اقتصادی"، "اجتماعات محلی پایدار" و "مکان‌های پایدار" معنا می‌یابد.

25. Tu and Lin

26. Said

27. Dargan

28. Roberts

29. Gibson, Kocabas

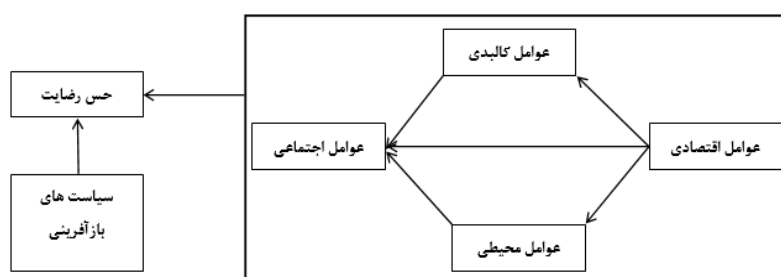
30. Colantonio, Dixon

در فرآیند ارتقاء کیفیت محیط سکونت از طریق بازآفرینی، علاوه بر توجه به جنبه‌های کالبدی و اقتصادی، باید به تحلیل الگوهای اجتماعی و همچنین کاربرست فرهنگ در برنامه‌ریزی و بازآفرینی نیز پرداخت. در نگاهی کلی، سه نوع الگو برای شرکت دادن عامل فرهنگ در بازآفرینی شهری وجود داشته است؛ که عبارت‌اند از فرهنگ و بازآفرینی، بازآفرینی فرهنگی و بازآفرینی فرهنگ مبنا (دی ام سی اس^{۳۱}، ۲۰۰۴: ۵).

بازآفرینی فرهنگ مبنا با ارتقای کیفیت کالبدی و استفاده دوباره از میراث معماری و فراهم آوردن بستری برای پذیرش رویدادهای فرهنگی و فعالیت‌های مبتنی بر فرهنگ و هنر، موجب می‌شود تا تصویر و وجهه بهتری برای شهرها شکل بگیرد (ریچارد و ویلسون^{۳۲}، ۲۰۰۴).

مدل مفهومی پژوهش

مطالعات انجام‌شده توسط پژوهشگران نشان‌دهنده اهمیت متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی بر حس رضایت می‌باشد و همچنین وجود ارتباط معنادار بین این متغیرها و حس رضایت را تأیید می‌کند. بدین‌سان مفهوم رضایتمندی به معنای میزان رضایت تجربه شده ساکنین از کیفیت محیط زندگی‌شان است. عوامل اقتصادی در کنار عوامل کالبدی و محیطی به عنوان میانجی می‌توانند نقش مؤثری بر شرایط اجتماعی محله داشته و در نتیجه خود ارزیابی‌کننده حس رضایت نیز باشند. میزان رضایت افراد از محیط زندگی‌شان احساس نزدیکی و پیوند با محیط را به وجود می‌آورد و سبب می‌شود این ارتباط به‌صورت قوی‌تر و پایدارتری شکل گیرد؛ بنابراین سیاست‌های بازآفرینی می‌توانند در جهت افزایش حس رضایتمندی جهت ارتقای کیفیت محیط شکل گیرند شکل (۱).



شکل (۱). الگوی مفهومی پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

روش تحقیق

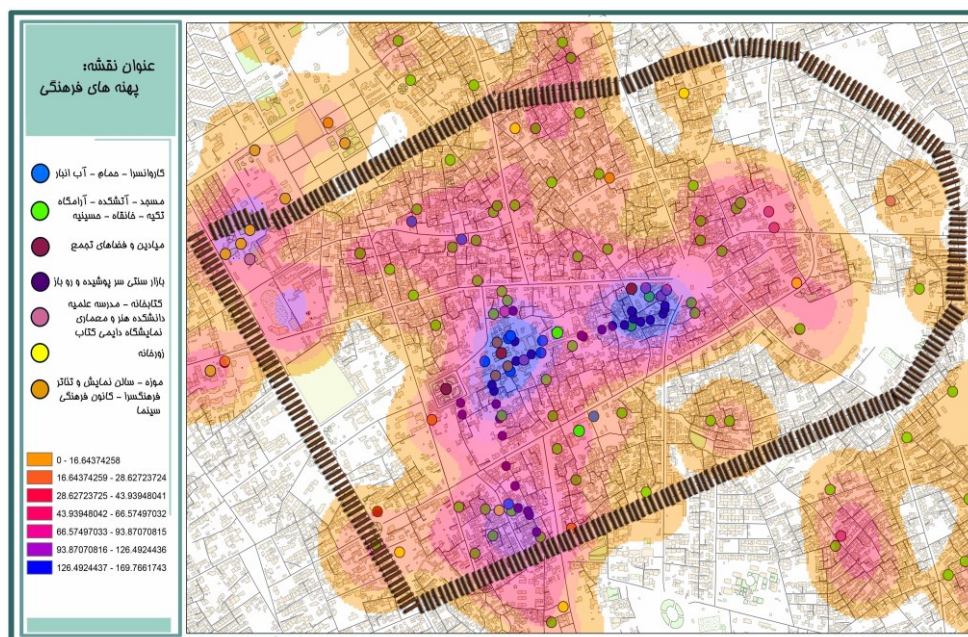
منطقه مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه، محله‌های فرهنگی شهر کرمان یکی از تاریخی‌ترین شهرهای ایران است. این محله‌های به‌طور عمده در هسته مرکزی شهر کرمان واقع شده و در واقع هسته اولیه شکل‌گیری شهر کرمان در ادوار گوناگون بوده است. جهت تعیین محله‌های فرهنگی در شهر کرمان در ابتدا منابع فرهنگی شناسایی شد، سپس این منابع در گروه‌های مختلف دسته‌بندی و نقشه فرهنگی بافت تاریخی کرمان ایجاد شد. نقشه فرهنگی به

31. DMCS

32. Richards and Wilson

عنوان یک ابزار حیاتی و تکنیکی برای حفظ دارایی فرهنگی قابل لمس و غیرقابل لمس جهان توسط یونسکو شناخته شده است. (کلارک و همکاران^{۳۳}، ۱۹۹۵) نقشه فرهنگی و شناسایی منابع فرهنگی باعث ۱ - شناسایی منابع و فعالیت‌های قدیمی ناشناخته، ۲ - به دست آوردن چشم‌انداز تازه از سایت مورد نظر، ۳ - شناسایی شبکه‌ها و مراکزهای مهم، ۴ - دیدن امروز و نگاه به آینده، می‌شود (راهنمای نقشه فرهنگی^{۳۴}، ۲۰۰۴). با توجه به تحلیل تراکمی منابع فرهنگی موجود چهار محله فرهنگی در بافت تاریخی کرمان وجود دارد، دو محله ارگ- گنجعلیخان و مظفری هم پیوند با بازار شرقی- غربی، محله قلعه محمود در راستای بازار شمالی- جنوبی کرمان و محله شورا در شمال غربی بافت قرار گرفته‌اند. با توجه به قرارگیری بسیاری از فضاهای فرهنگی شهر از جمله سینماها، سالن‌های تئاتر، موزه‌ها و فرهنگسراها در این محلات و نقش پراهمیت آن‌ها در بازآفرینی فرهنگ مبنای، به این محدوده‌ها در این پژوهش توجه شده است؛ بنابراین با توجه به نقشه منابع فرهنگی و تحلیل تراکمی ۴ محله فرهنگی برای شهر کرمان در محدوده تاریخی می‌توان در نظر گرفت. شکل (۲) از روی هم اندازی نقشه‌های منابع فرهنگی و تحلیل تراکمی به دست آمده است.



شکل (۲). نقشه منابع و محله‌های فرهنگی بافت تاریخی کرمان (مأخذ: نگارندگان)

داده و روش کار

در این پژوهش کاربردی، از روش توصیفی برای مرور پیشینه پژوهش و تدوین مبانی نظری، معرفی عرصه پژوهش و به‌ویژه برای توصیف وضعیت رضایت‌مندی و حس تعلق ساکنین محله‌های مورد بررسی؛ و روش علی تطبیقی و مقایسه‌ای برای سنجش رضایت‌مندی در چهار محله ارگ-گنجعلیخان، مظفری، قلعه محمود و شورا

33. Clark et al

34. Cultural Mapping Toolkit

واقع در بافت تاریخی کرمان استفاده شد. برای کمی کردن معیارهای پژوهش، درخت ارزش^{۳۵} تشکیل و به صورت بالا به پایین طبقه‌بندی شد و در سطح آخر (۴۶ جزء شاخص) که قابلیت کمی کردن را داشتند، تعیین گردید. جهت جمع‌آوری داده‌ها، چهار پرسشنامه بسته، بی‌نام، محقق ساخته و درجه‌بندی شده بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت^{۳۶} تنظیم و استفاده شد (به منظور جلب اعتماد پاسخ‌گو، در پرسشنامه از آوردن ابعاد و مؤلفه‌ها خودداری شد).

برای اطمینان از روایی^{۳۷} پرسشنامه‌ها، از روش دلفی^{۳۸} بهره گرفته شد. همچنین روایی سازه پرسشنامه‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی^{۳۹} نیز مورد بررسی قرار گرفت.

برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب پایایی آزمون برای کل پرسشنامه متغیرهای کالبدی ۰/۸۹۲، برای کل پرسشنامه متغیرهای محیطی ۰/۸۶۲، برای کل پرسشنامه متغیرهای اجتماعی ۰/۹۲۶ و برای کل متغیرهای اقتصادی ۰/۸۲۱ محاسبه شد و با توجه به مقادیر ضریب آلفای کرونباخ، استنباط شد که ابزار پژوهش از پایایی مطلوبی برخوردار است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام ساکنان محله‌های شورا، ارگ-گنجعلیخان، مظفری و قلعه محمود در شهر کرمان می‌باشد. با توجه به اینکه از رویکرد معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد، حجم نمونه ۵ برابر تعداد پارامترهای مدل در نظر گرفته شد (وستلن^{۴۰}، ۲۰۱۰). به این ترتیب حجم نمونه ۵۰۰ نفر به دست آمد. با در نظر گرفتن احتمالات مربوط به غیرقابل استفاده بودن تعدادی از پرسشنامه‌های تکمیل شده، در مجموع ۵۲۰ پرسشنامه در محدوده مورد نظر به صورت اتفاقی و در ساعاتی مختلف روز توزیع شد که در نهایت ۵۱۳ پرسشنامه مبنای تحلیل‌های آماری قرار گرفت.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، از روش آمار توصیفی و استنباطی شامل آزمون‌های t تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس یک‌طرفه، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS بهره گرفته شد.

نتایج

توصیف متغیرهای پژوهش

تجزیه و تحلیل یافته‌های توصیفی مربوط به مشخصات پاسخ‌دهندگان پرسشنامه نشان می‌دهد که از مجموع ۵۱۳ نفر نمونه مورد مطالعه، از لحاظ شرایط سنی بیشترین تعداد پاسخگویان در رده سنی ۲۵-۳۰ سال قرار داشتند. ۴۸/۸ درصد پاسخگویان را زنان و ۵۱/۲ درصد را مردان تشکیل داده‌اند و ۶۷/۴ درصد از پاسخگویان

۳۵. پس از استخراج معیارها و شاخص‌های کیفیت محیط زندگی، به سطح‌بندی معیارها و تبدیل آن‌ها به جزء‌ترین شاخص‌ها به نحوی که قابل اندازه‌گیری باشند، پرداخته شد و هر یک از معیارها به جزء‌ترین شاخص قابل اندازه‌گیری، منتهی گردیدند. پس از آن، شاخص‌ها در سطوح بالا به پایین و در سه سطح، قرار گرفته و منجر به تشکیل درخت ارزش شد.

36. Likert Scale

37. Validity

38. Delphi

39. Confirmatory Factor Analysis

40. Westlan

متأهل، ۲۱/۴ درصد مجرد بودند. بیشترین فراوانی در رده تحصیلی دیپلم با ۳۷/۰ درصد و کمترین فراوانی در رده تحصیلی بالاتر از لیسانس با ۵/۱ درصد بوده است.

اطلاعات توصیفی متغیرهای کالبدی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی به تفکیک محله‌های مورد بررسی، شامل میانگین و انحراف معیار در جدول (۲) ارائه شده است. برای ارزیابی متغیرهای کالبدی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی در مناطق مورد بررسی، میانگین نظرات پاسخگویان به وسیله آزمون t_{41} با مقدار نظری ۳/۰۰ مقایسه شد. در متغیرهای کالبدی، اجتماعی و اقتصادی چنانچه نمره متغیر در نظر گرفته شده بیشتر از مقدار نظری ۳/۰۰ باشد می‌توان گفت میزان رضایت از متغیر مورد بررسی، از دیدگاه پاسخگویان در سطح بالایی قرار گرفته است.

در متغیرهای محیطی با توجه به ماهیت مؤلفه‌های در نظر گرفته شده (آلودگی‌های بصری، آلودگی‌های صوتی و آلودگی‌های محیطی) چنانچه نمره مؤلفه کمتر از مقدار نظری ۳/۰۰ باشد می‌توان گفت از دیدگاه پاسخگویان میزان رضایت از متغیر مورد بررسی، در سطح بالایی قرار گرفته است. در اکثر مؤلفه‌های متغیرهای کالبدی، محیطی و اقتصادی در محله‌های مورد بررسی میانگین‌ها پایین‌تر از مقدار نظری قرار گرفته است و نشان‌دهنده نقاط ضعف و عدم رضایت پاسخ‌دهندگان در محله‌های مورد بررسی است و نیازمند توجه و بررسی کارشناسی جهت رفع مشکل می‌باشد. در متغیرهای اجتماعی نیز مؤلفه سرمایه اجتماعی پایین‌تر از مقدار نظری قرار گرفته است و نشان‌دهنده نارضایتی پاسخگویان از این مؤلفه است.

همچنین جهت بررسی تأثیر هر یک از متغیرهای مورد سنجش بر محله‌های مورد بررسی از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه F_{42} استفاده شده است. طبق نتایج حاصل از این آزمون، در تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی سطح متغیرها در چهار محله یکسان نیست ($p < 0/05$).

جدول (۲). آماره‌های توصیفی متغیرهای کالبدی، محیطی، متغیرهای اجتماعی و متغیرهای اقتصادی

مؤلفه	محله	تعداد	میانگین	انحراف معیار	معنی‌داری
بناها و فضاها	شورا	۱۳۹	۲/۹۶	۰/۷۱	۰/۰۰۱**
	گنجعلیخان	۱۲۷	۱/۹۰	۰/۷۰	
	مظفری	۱۲۵	۱/۹۷	۰/۷۵	
	قلعه محمود	۱۲۲	۲/۲۳	۰/۷۷	
تسهیلات و خدمات	نمره کل	۵۱۳	۲/۲۸	۰/۸۵	۰/۰۰۱**
	شورا	۱۳۹	*۳/۰۸	۰/۵۷	
	گنجعلیخان	۱۲۷	۲/۷۸	۰/۷۱	
	مظفری	۱۲۵	۲/۶۲	۰/۵۸	
دسترسی	قلعه محمود	۱۲۲	**۳/۱۳	۰/۶۰	۰/۰۰۱**
	نمره کل	۵۱۳	۲/۹۱	۰/۶۵	
	شورا	۱۳۹	**۳/۳۵	۰/۷۸	
	گنجعلیخان	۱۲۷	۲/۸۹	۰/۶۵	
	مظفری	۱۲۵	**۳/۵۰	۰/۸۲	

41. One Sample T Test

42. Oneway Analysis of Variance (ANOVA)

	۰/۴۷	۲/۹۷	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۷۴	۳/۱۸**	۵۱۳	نمره کل	
۰/۰۰۱**	۰/۴۷	۳/۱۳**	۱۳۹	شورا	متغیرهای کالبدی
	۰/۵۱	۲/۵۵	۱۲۷	گنجعلیخان	
	۰/۴۵	۲/۶۹	۱۲۵	مظفری	
	۰/۴۶	۲/۸۰	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۵۲	۲/۸۰	۵۱۳	نمره کل	
۰/۰۰۱**	۱/۰۳	۳/۸۸**	۱۳۹	شورا	آلودگی‌های بصری
	۰/۷۹	۴/۳۳	۱۲۷	گنجعلیخان	
	۱/۰۴	۳/۷۳	۱۲۵	مظفری	
	۰/۸۷	۳/۹۹	۱۲۲	قلعه محمود	
	۱/۰۹	۳/۷۱	۵۱۳	نمره کل	
۰/۰۰۱**	۰/۸۱	۲/۹۹	۱۳۹	شورا	آلودگی صوتی
	۰/۸۵	۲/۸۹**	۱۲۷	گنجعلیخان	
	۰/۷۵	۳/۲۶	۱۲۵	مظفری	
	۰/۸۹	۲/۸۱**	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۸۴	۲/۹۹	۵۱۳	نمره کل	
۰/۰۰۱**	۰/۶۶	۲/۹۴	۱۳۹	شورا	آلودگی‌های محیطی
	۰/۸۲	۳/۷۶	۱۲۷	گنجعلیخان	
	۰/۸۹	۳/۱۸	۱۲۵	مظفری	
	۰/۷۸	۳/۲۸	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۸۴	۳/۲۸	۵۱۳	نمره کل	

ادامه جدول (۲). آماره‌های توصیفی متغیرهای کالبدی، محیطی، متغیرهای اجتماعی و متغیرهای اقتصادی

مؤلفه	محل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	معنی داری
متغیرهای محیطی	شورا	۱۳۹	۲/۹۴**	۰/۶۰	۰/۰۰۱**
	گنجعلیخان	۱۲۷	۳/۵۸	۰/۵۱	
	مظفری	۱۲۵	۳/۳۵	۰/۵۱	
	قلعه محمود	۱۲۲	۳/۲۸	۰/۵۵	
	نمره کل	۵۱۳	۳/۲۸	۰/۵۹	
پایداری اجتماعی	شورا	۱۳۹	۳/۱۷**	۰/۵۶	۰/۰۰۱**
	گنجعلیخان	۱۲۷	۳/۳۴**	۰/۶۱	
	مظفری	۱۲۵	۳/۳۰**	۰/۵۶	
	قلعه محمود	۱۲۲	۳/۶۸**	۰/۵۶	
	نمره کل	۵۱۳	۳/۶۴**	۰/۶۰	
تعلق مکانی	شورا	۱۳۹	۳/۱۷**	۰/۵۸	۰/۰۰۱**
	گنجعلیخان	۱۲۷	۳/۰۴*	۱/۰۳	
	مظفری	۱۲۵	۳/۴۳**	۰/۷۸	
	قلعه محمود	۱۲۲	۳/۳۹**	۰/۷۸	
	نمره کل	۵۱۳	۳/۲۵**	۰/۸۲	
میزان امنیت	شورا	۱۳۹	*۳/۰۴	۰/۵۴	۰/۰۷۵*
	گنجعلیخان	۱۲۷	**۳/۱۵	۰/۶۸	

	۰/۵۶	**۳/۳۱	۱۲۵	مظفری	
	۰/۶۰	**۳/۳۱	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۶۰	**۳/۱۵	۵۱۳	نمره کل	
۰/۰۰۱**	۰/۴۹	۲/۹۰	۱۳۹	شورا	سرمایه اجتماعی
	۰/۶۷	۲/۷۵	۱۲۷	گنجعلیخان	
	۰/۷۴	۲/۹۰	۱۲۵	مظفری	
	۰/۶۲	**۳/۱۲	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۶۴	۲/۹۱	۵۱۳	نمره کل	
۰/۰۰۱**	۰/۳۹	*۳/۰۹	۱۳۹	شورا	متغیرهای اجتماعی
	۰/۴۱	**۳/۱۱	۱۲۷	گنجعلیخان	
	۰/۳۹	**۳/۲۲	۱۲۵	مظفری	
	۰/۴۲	**۳/۴۰	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۴۲	**۳/۲۰	۵۱۳	نمره کل	
۰/۰۰۱**	۰/۵۲	۲/۹۸	۱۳۹	شورا	برتری‌های نسبی
	۰/۷۶	۲/۵۲	۱۲۷	گنجعلیخان	
	۰/۶۲	۲/۸۴	۱۲۵	مظفری	
	۰/۷۰	۲/۵۰	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۶۸	۲/۷۲	۵۱۳	نمره کل	
۰/۰۰۱**	۰/۷۱	۲/۸۰	۱۳۹	شورا	سرمایه‌گذاری
	۰/۹۶	۲/۳۷	۱۲۷	گنجعلیخان	
	۰/۹۶	۲/۵۳	۱۲۵	مظفری	
	۰/۷۷	۲/۶۴	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۸۶	۲/۵۹	۵۱۳	نمره کل	
۰/۰۰۱**	۰/۴۶	۲/۹۲	۱۳۹	شورا	متغیرهای اقتصادی
	۰/۶۰	۲/۴۷	۱۲۷	گنجعلیخان	
	۰/۴۸	۲/۷۳	۱۲۵	مظفری	
	۰/۵۴	۲/۵۵	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۵۵	۲/۶۸	۵۱۳	نمره کل	

** معنی‌دار در سطح ۰/۰۵، * معنی‌دار در سطح ۰/۱ مأخذ: نگارندگان

بررسی ضرایب همبستگی

جهت بررسی رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای اقتصادی و کالبدی از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که در هر چهار محله مورد بررسی بین برتری‌های نسبی و سرمایه‌گذاری با متغیرهای کالبدی رابطه معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/05$). این رابطه به صورت مستقیم (افزایشی) است.

یکی از اهداف مهم پژوهش حاضر افزایش کیفیت محیط سکونت و رضایت‌مندی در هر یک از محله‌های مورد بررسی است. با توجه به ضرایب همبستگی محاسبه‌شده و با توجه به شدت رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار بر متغیرهای اقتصادی و کالبدی می‌توان گفت در هر چهار محله مورد بررسی بیشترین را متغیرهای کالبدی به

ترتیب مؤلفه برتری‌های نسبی و سرمایه‌گذاری داشته‌اند جدول (۳)؛ بنابراین با بهبود متغیرهای اقتصادی می‌توان کیفیت محیط ساخته‌شده را ارتقاء بخشید و باعث افزایش حس رضایت در محله مورد نظر شد.

جدول (۳). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای اقتصادی و متغیرهای کالبدی

محلّه	متغیر	۱	۲	۳
شورا (n=۱۳۵)	۱. متغیرهای کالبدی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	۰/۶۳۳**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	۰/۴۹۱**	۰/۶۱۲**	۱
گنجعلیخان (n=۱۲۷)	۱. متغیرهای کالبدی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	۰/۴۷۳**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	۰/۴۰۸**	۰/۶۲۲**	۱
مظفری (n=۱۲۵)	۱. متغیرهای کالبدی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	۰/۴۹۵**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	۰/۳۹۰**	۰/۶۲۲**	۱
قلعه محمود (n=۱۲۲)	۱. متغیرهای کالبدی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	۰/۴۷۰**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	۰/۴۳۵**	۰/۶۲۲**	۱
کل (n=۵۱۳)	۱. متغیرهای کالبدی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	۰/۵۲۷**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	۰/۴۳۶**	۰/۵۹۱**	۱

* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار (p<۰/۰۵)، ** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار (p<۰/۰۱) مأخذ: نگارندگان

در رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار بر متغیرهای اقتصادی و محیطی می‌توان گفت در محله شورا، مظفری و قلعه محمود بیشترین رابطه را با متغیرهای محیطی به ترتیب مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری و برتری‌های نسبی داشته‌اند. در محله گنجعلیخان شدت رابطه مؤلفه‌های برتری‌های نسبی و سرمایه‌گذاری بر متغیرهای محیطی به یک میزان بوده است جدول (۴)؛ بنابراین با توجه بیشتر بر عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر متغیرهای محیطی در محلات مورد بررسی که مهم‌ترین آن‌ها آلودگی‌های بصری بوده‌اند می‌توان شرایط زیست‌محیطی را بهبود و رضایت‌مندی ساکنان را افزایش داد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که در هر چهار محله مورد بررسی بین برتری‌های نسبی و سرمایه‌گذاری با متغیرهای محیطی رابطه معنی‌دار وجود دارد (p<۰/۰۵). این رابطه به صورت معکوس (کاهشی) است.

جدول (۴). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای اقتصادی و متغیرهای محیطی

محل	متغیر	۱	۲	۳
شورا (n=۱۳۵)	۱. متغیرهای محیطی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	-۰/۵۷۶**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	-۰/۵۹۳**	۰/۶۱۳**	۱
گنجعلیخان (n=۱۲۷)	۱. متغیرهای محیطی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	-۰/۴۹۳**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	-۰/۴۹۳**	۰/۶۲۲**	۱
مظفری (n=۱۲۵)	۱. متغیرهای محیطی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	-۰/۵۵۹**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	-۰/۴۲۵**	۰/۶۲۲**	۱
قلعه محمود (n=۱۲۲)	۱. متغیرهای محیطی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	-۰/۴۵۵**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	-۰/۳۰۰**	۰/۶۲۲**	۱
کل (n=۵۱۳)	۱. متغیرهای محیطی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	-۰/۵۲۱**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	-۰/۴۸۸**	۰/۵۹۱**	۱

* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار (p<۰/۰۵)، ** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار (p<۰/۰۱) مأخذ: نگارندگان

در رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار بر متغیرهای کالبدی و اجتماعی می‌توان گفت در محله شورا بیشترین رابطه را با متغیرهای اجتماعی به ترتیب مؤلفه‌های بناها و فضاها، تسهیلات و خدمات و دسترسی داشته‌اند. در محله گنجعلیخان بیشترین رابطه را با متغیرهای اجتماعی به ترتیب مؤلفه‌های تسهیلات و خدمات، دسترسی و بناها و فضاها داشته‌اند.

در محله مظفری با توجه به شدت رابطه بین متغیرهای پژوهش بیشترین رابطه را با متغیرهای اجتماعی به ترتیب مؤلفه‌های دسترسی، بناها و فضاها و تسهیلات و خدمات و در محله قلعه محمود بیشترین رابطه را با متغیرهای اجتماعی به ترتیب مؤلفه‌های تسهیلات و خدمات، بناها و فضاها و دسترسی داشته‌اند جدول (۵).

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که در هر چهار محله مورد بررسی بین بناها و فضاها، تسهیلات و خدمات و دسترسی با متغیرهای اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد (p<۰/۰۵). این رابطه به صورت مستقیم (افزایشی) است. در رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای محیطی و متغیرهای اجتماعی می‌توان گفت در محله‌های شورا، گنجعلیخان، مظفری و قلعه محمود بیشترین رابطه را با متغیرهای اجتماعی مؤلفه آلودگی صوتی داشته است جدول (۶).

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که در هر چهار محله مورد بررسی بین آلودگی‌های بصری، آلودگی صوتی و آلودگی‌های محیطی با متغیرهای اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد (p<۰/۰۵). این رابطه به صورت معکوس (کاهشی) است.

جدول (۵). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای کالبدی و متغیرهای اجتماعی

محلّه	متغیر	۱	۲	۳	۴
شورا (n=۱۳۵)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱			
	۲. بناها و فضاها	۰/۵۶۱**	۱		
	۳. تسهیلات و خدمات	۰/۵۵۰**	۰/۷۰۸**	۱	
	۴. دسترسی	۰/۵۳۳**	۰/۶۸۴**	۰/۶۵۰**	۱
گنجعلیخان (n=۱۲۷)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱			
	۲. بناها و فضاها	۰/۴۰۶**	۱		
	۳. تسهیلات و خدمات	۰/۴۹۳**	۰/۶۵۸**	۱	
	۴. دسترسی	۰/۴۵۹**	۰/۴۶۹**	۰/۵۸۶**	۱
مظفری (n=۱۲۵)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱			
	۲. بناها و فضاها	۰/۴۰۲**	۱		
	۳. تسهیلات و خدمات	۰/۳۸۰**	۰/۶۶۱**	۱	
	۴. دسترسی	۰/۴۷۳**	۰/۵۱۱**	۰/۴۹۹**	۱
قلعه محمود (n=۱۲۲)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱			
	۲. بناها و فضاها	۰/۵۱۹**	۱		
	۳. تسهیلات و خدمات	۰/۵۲۹**	۰/۷۵۹**	۱	
	۴. دسترسی	۰/۴۲۶**	۰/۶۲۴**	۰/۶۷۸**	۱
کل (n=۵۱۳)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱			
	۲. بناها و فضاها	۰/۴۷۹**	۱		
	۳. تسهیلات و خدمات	۰/۴۹۲**	۰/۷۰۰**	۱	
	۴. دسترسی	۰/۴۷۸**	۰/۵۸۱**	۰/۶۰۸**	۱

* در سطح ۰/۰۵ معنی دار (p<۰/۰۵)، ** در سطح ۰/۰۱ معنی دار (p<۰/۰۱) مأخذ: نگارندگان

جدول (۶). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای محیطی و متغیرهای اجتماعی

محلّه	متغیر	۱	۲	۳	۴
شورا (n=۱۳۵)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱			
	۲. آلودگی‌های بصری	-۰/۴۲۰**	۱		
	۳. آلودگی صوتی	-۰/۵۲۳**	۰/۴۶۸**	۱	
	۴. آلودگی‌های محیطی	-۰/۳۵۵**	۰/۲۳۳**	۰/۵۸۴**	۱
گنجعلیخان (n=۱۲۷)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱			
	۲. آلودگی‌های بصری	-۰/۳۷۹**	۱		
	۳. آلودگی صوتی	-۰/۶۱۴**	۰/۴۵۰**	۱	
	۴. آلودگی‌های محیطی	-۰/۵۱۳**	۰/۳۳۳**	۰/۶۵۱**	۱
مظفری (n=۱۲۵)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱			
	۲. آلودگی‌های بصری	-۰/۳۶۶**	۱		
	۳. آلودگی صوتی	-۰/۶۴۵**	۰/۵۴۶**	۱	
	۴. آلودگی‌های محیطی	-۰/۴۶۸**	۰/۳۱۱**	۰/۵۴۵**	۱
قلعه محمود (n=۱۲۲)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱			
	۲. آلودگی‌های بصری	-۰/۳۹۸**	۱		
	۳. آلودگی صوتی	-۰/۶۱۰**	۰/۵۴۴**	۱	

۱	۰/۵۶۹**	۰/۳۴۵**	-۰/۲۹۴**	۴. آلودگی‌های محیطی	کل (n=۵۱۳)
			۱	۱. متغیرهای اجتماعی	
		۱	-۰/۳۹۶**	۲. آلودگی‌های بصری	
	۱	۰/۴۹۷**	-۰/۵۸۸**	۳. آلودگی صوتی	
۱	۰/۵۸۶**	۰/۲۹۴**	-۰/۳۹۲**	۴. آلودگی‌های محیطی	

* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار (p<۰/۰۵)، ** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار (p<۰/۰۱) مأخذ: نگارندگان

در رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی می‌توان گفت در هر چهار محله مورد بررسی بیشترین تأثیر را بر متغیرهای اجتماعی مؤلفه برتری‌های نسبی داشته است جدول (۷). نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که در هر چهار محله مورد بررسی بین برتری‌های نسبی و سرمایه‌گذاری با متغیرهای اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد (p<۰/۰۵). این رابطه به صورت مستقیم (افزایشی) است.

جدول (۷). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی

محله	متغیر	۱	۲	۳
شورا (n=۱۳۵)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	۰/۶۷۵**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	۰/۴۸۸**	۰/۶۱۲**	۱
گنجعلیخان (n=۱۲۷)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	۰/۵۳۶**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	۰/۴۵۱**	۰/۶۲۲**	۱
مظفری (n=۱۲۵)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	۰/۵۶۰**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	۰/۴۴۶**	۰/۶۲۲**	۱
قلعه محمود (n=۱۲۲)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	۰/۵۲۲**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	۰/۴۷۵**	۰/۶۲۲**	۱
کل (n=۵۱۳)	۱. متغیرهای اجتماعی	۱		
	۲. برتری‌های نسبی	۰/۵۸۷**	۱	
	۳. سرمایه‌گذاری	۰/۴۶۷**	۰/۵۹۱**	۱

* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار (p<۰/۰۵)، ** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار (p<۰/۰۱) مأخذ: نگارندگان

بررسی نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری

در این بخش با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی الگوی پیشنهادی پژوهش و رابطه بین متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی با توجه به نقش میانجی متغیرهای کالبدی، محیطی پرداخته شده است که نتایج آن در ادامه آمده است در این پژوهش برای ارزیابی نیکویی برازش الگو از معیارهای ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^{۴۳} (RMSEA)، کای اسکور بهنجار شده^{۴۴} (CMIN/DF)، شاخص نیکویی

43. Root Mean Squared Error of Approximation

44. Normed Chi-Square

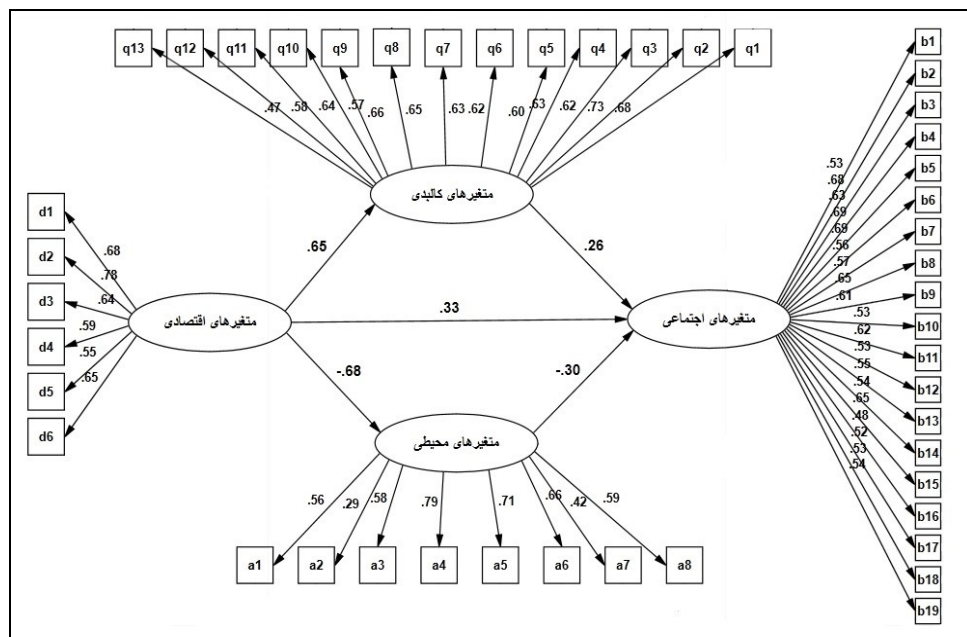
برازش^{۴۵} (GFI)، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده^{۴۶} (AGFI)، شاخص برازش تطبیقی^{۴۷} (CFI)، شاخص برازش هنجار شده^{۴۸} (NFI)، شاخص تاکر- لوئیس^{۴۹} (TLI) و شاخص برازش افزایشی^{۵۰} (IFI) استفاده شده است. نتایج برازش الگوی پرسشنامه متغیرهای اقتصادی، کالبدی، محیطی و اجتماعی در جدول (۸) نشان دهنده مناسب بودن الگوی پیشنهادی پژوهش است، شاخص‌های برازش الگوی پیشنهادی پژوهش در جدول (۹) نشان داده شده‌اند شکل (۳).

جدول (۸). شاخص‌های برازش متغیرهای پژوهش

شاخص	CFI	TLI	IFI	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	CMIN/DF
حد قابل قبول	≤ ۰/۹	≤ ۰/۹	≤ ۰/۹	≤ ۰/۹	≤ ۰/۹	≤ ۰/۹	≤ ۰/۰۸	≤ ۳
مقدار گزارش شده	اقتصادی	۰/۹۸۳	۰/۹۵۷	۰/۹۸۳	۰/۹۷۶	۰/۹۵۲	۰/۰۷۱	۲/۵۶۹
	کالبدی	۰/۹۵۹	۰/۹۴۲	۰/۹۶۰	۰/۹۴۰	۰/۹۲۹	۰/۰۶۱	۲/۸۹۹
	محیطی	۰/۹۹۰	۰/۹۸۱	۰/۹۹۰	۰/۹۷۸	۰/۹۷۱	۰/۰۳۹	۱/۷۹۶
	اجتماعی	۰/۹۳۶	۰/۹۱۴	۰/۹۳۶	۰/۹۰۸	۰/۸۸۹	۰/۰۶۳	۲/۰۶۱

جدول (۹). شاخص‌های برازش الگوی پیشنهادی پژوهش

شاخص	CFI	TLI	IFI	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	CMIN/DF
حد قابل قبول	≤ ۰/۹	≤ ۰/۹	≤ ۰/۹	≤ ۰/۹	≤ ۰/۹	≤ ۰/۹	≤ ۰/۰۸	≤ ۳
مقدار گزارش شده	۰/۹۶۳	۰/۹۴۸	۰/۹۶۳	۰/۹۴۸	۰/۹۲۳	۰/۹۵۴	۰/۰۶۷	۳/۳۰۵



شکل (۳). نتایج معادلات ساختاری برای بررسی الگوی پیشنهادی پژوهش (بار عاملی استاندارد شده)

- 45. Goodness of Fit Index
- 46. Adjusted Goodness of Fit Index
- 47. Comparative Fit Index
- 48. Normed Fit Index
- 49. Tucker-Lewis Index
- 50. Incremental Fit Index

نتایج ارائه شده در جدول (۱۰) نشان‌دهنده اثر مثبت و معنادار متغیرهای اقتصادی بر متغیرهای کالبدی (۰/۶۵۰)، اثر منفی و معنادار متغیرهای اقتصادی بر متغیرهای محیطی (۰/۶۷۶-)، اثر مثبت و معنادار متغیرهای کالبدی بر متغیرهای اجتماعی (۰/۲۶۵) و اثر منفی و معنادار متغیرهای محیطی بر متغیرهای اجتماعی (۰/۳۰۲-) است. همچنین اثر مثبت و معنادار متغیرهای اقتصادی بر متغیرهای اجتماعی (۰/۳۲۹) تأیید می‌شود.

با توجه به نتایج جدول (۱۰)، رابطه متغیرهای اقتصادی با متغیرهای کالبدی از نوع افزایشی (مستقیم) و رابطه متغیرهای اقتصادی با متغیرهای محیطی از نوع کاهش (معکوس) است به عبارتی با افزایش متغیرهای اقتصادی در محله مورد مطالعه، متغیرهای کالبدی بهبود می‌یابند و نیز متغیرهای محیطی با کاهش رو به بهبود خواهند رفت.

رابطه میان متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی از نوع افزایشی (مستقیم) است بدین معنی که با افزایش متغیرهای اقتصادی، متغیرهای اجتماعی نیز بهبود پیدا خواهد کرد.

رابطه میان متغیرهای کالبدی و متغیرهای اجتماعی از نوع افزایشی (مستقیم) است و مؤید این مطلب است که با افزایش متغیرهای کالبدی، سطح متغیرهای اجتماعی افزایش پیدا خواهد کرد. این رابطه به صورت معکوس میان متغیرهای محیطی و متغیرهای اجتماعی نیز برقرار است.

نتایج جدول (۱۰) نشان می‌دهد که متغیرهای اقتصادی علاوه بر تأثیر مستقیم، به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیرهای کالبدی و متغیرهای محیطی نیز بر متغیرهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد که میزان تأثیر مستقیم برابر با (۰/۳۲۹) و میزان تأثیر غیرمستقیم از طریق متغیرهای کالبدی برابر با (۰/۱۷۲) است. هم‌چنین میزان تأثیر غیرمستقیم از طریق متغیرهای محیطی برابر با (۰/۲۰۴) است.

هم‌چنین بر اساس محاسبات انجام شده مقدار معنی‌داری آزمون بوت استرپ^{۵۱} برای بررسی نقش میانجی متغیرهای کالبدی و در رابطه بین متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی برابر با (۰/۰۰۱) و سطح معنی‌داری آزمون بوت استرپ برای بررسی نقش میانجی متغیرهای محیطی در رابطه عوامل متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی برابر با (۰/۰۰۱) به دست آمد که بر این اساس، اثر میانجی‌گری متغیرهای کالبدی و متغیرهای محیطی در رابطه بین متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی تأیید می‌گردد.

جدول (۱۰). ضریب مسیر و معنی‌داری آن و بررسی فرضیه پژوهش در مدل تحلیل مسیر اصلی

نوع رابطه	نتیجه	مقدار t	اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	فرضیه
افزایشی	تأیید فرضیه	۸/۱۵**	۰/۶۵۰	-	۰/۶۵۰	متغیرهای اقتصادی ← متغیرهای کالبدی
کاهشی	تأیید فرضیه	-۹/۴۹۶**	-۰/۶۷۶	-	-۰/۶۷۶	متغیرهای اقتصادی ← متغیرهای محیطی
افزایشی	تأیید فرضیه	۴/۴۴۴**	۰/۲۶۵	-	۰/۲۶۵	متغیرهای کالبدی ← متغیرهای اجتماعی
کاهشی	تأیید فرضیه	-۴/۷۷۳**	-۰/۳۰۲	-	-۰/۳۰۲	متغیرهای محیطی ← متغیرهای اجتماعی
افزایشی	تأیید فرضیه	۴/۳۱۹**	۰/۷۰۵	۰/۳۷۶	۰/۳۲۹	متغیرهای اقتصادی ← متغیرهای اجتماعی

** مقادیر بزرگ‌تر از ۱/۹۶ معنادار در سطح ۰/۰۵،* مقادیر بزرگ‌تر از ۱/۶۴ معنادار در سطح ۰/۱ مآخذ: نگارندگان

51. Boot strap

جهت بررسی سوال دوم پژوهش از تحلیل گروه‌های چندمتغیره^{۵۲} استفاده شده است. با توجه به ضرایب مسیر در جدول (۱۱) می‌توان مشاهده کرد در محله شورا رابطه بین متغیرهای اقتصادی و کالبدی، متغیرهای کالبدی و اجتماعی و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی تأیید شده و از نوع مستقیم (افزایشی) است و رابطه بین متغیرهای اقتصادی و محیطی نیز تأیید شده و از نوع معکوس (کاهشی) است ($p < 0/05$). همچنین در محله شورا بین متغیرهای محیطی و متغیرهای اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد ($p > 0/05$).

در محله گنجعلیخان بین متغیرهای اقتصادی و کالبدی، متغیرهای کالبدی و اجتماعی و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی رابطه مستقیم (افزایشی) و معنادار وجود دارد ($p < 0/05$). بین متغیرهای اقتصادی و محیطی و متغیرهای محیطی و اجتماعی نیز رابطه معکوس (کاهشی) و معنادار وجود دارد ($p < 0/05$).

در محله مظفری رابطه بین متغیرهای اقتصادی و محیطی و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی تأیید شده و از نوع معکوس (کاهشی) است ($p < 0/05$). همچنین در این محله بین متغیرهای کالبدی و اجتماعی و همچنین متغیرهای اقتصادی و اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد ($p > 0/05$).

در محله قلعه محمود بین متغیرهای اقتصادی و کالبدی، متغیرهای کالبدی و اجتماعی و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی رابطه مستقیم (افزایشی) و معنادار وجود دارد ($p < 0/05$). بین متغیرهای اقتصادی و محیطی و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی رابطه معکوس (کاهشی) و معنادار وجود دارد ($p < 0/05$).

از سوی دیگر با توجه به ضرایب مسیر حاصل از معادلات ساختاری در جدول (۱۱)، شدیدترین رابطه میان متغیرهای اقتصادی و متغیرهای کالبدی در محله شورا، بین متغیرهای اقتصادی و متغیرهای محیطی در محله مظفری، بین متغیرهای کالبدی و متغیرهای اجتماعی در محله قلعه محمود، بین متغیرهای محیطی و متغیرهای اجتماعی در محله مظفری و بین متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی در محله شورا وجود دارد.

جدول (۱۱). ضریب مسیر و معنی‌داری آن و بررسی فرضیه پژوهش در مدل تحلیل مسیر اصلی

نوع رابطه	نتیجه	مقدار β	ضریب مسیر	فرضیه	محله
افزایشی	تأیید فرضیه	۵/۳۷۶**	۰/۷۳۹	متغیرهای کالبدی ← متغیرهای اقتصادی	شورا (N=۱۳۵)
کاهشی	تأیید فرضیه	-۵/۷۷۳**	-۰/۶۶۶	متغیرهای محیطی ← متغیرهای اقتصادی	
افزایشی	تأیید فرضیه	۲/۴۴۲**	۰/۲۹۹	متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای کالبدی	
فاقد رابطه	رد فرضیه	-۰/۹۷۴	-۰/۰۹۷	متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای محیطی	
افزایشی	تأیید فرضیه	۲/۹۵۱**	۰/۴۵۹	متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای اقتصادی	گنجعلیخان (N=۱۲۷)
افزایشی	تأیید فرضیه	۳/۸۲۱**	۰/۶۱۰	متغیرهای کالبدی ← متغیرهای اقتصادی	
کاهشی	تأیید فرضیه	-۴/۹۰۷**	-۰/۶۸۹	متغیرهای محیطی ← متغیرهای اقتصادی	
افزایشی	تأیید فرضیه	۱/۸۲۲*	۰/۲۰۰	متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای کالبدی	
کاهشی	تأیید فرضیه	-۳/۱۲۳**	-۰/۴۴۱	متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای محیطی	مظفری (N=۱۲۵)
افزایشی	تأیید فرضیه	۱/۷۹۶*	۰/۲۶۵	متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای اقتصادی	
افزایشی	تأیید فرضیه	۳/۳۶۹**	۰/۶۱۹	متغیرهای کالبدی ← متغیرهای اقتصادی	
کاهشی	تأیید فرضیه	-۴/۶۵۲**	-۰/۷۶۲	متغیرهای محیطی ← متغیرهای اقتصادی	

متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای کالبدی	۰/۱۶۱	۱/۴۷۵	رد فرضیه	فاقد رابطه
متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای محیطی	-۰/۵۹۹	-۲/۹۲۹ **	تأیید فرضیه	کاهشی
متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای اقتصادی	۰/۱۴۶	۰/۸۷۶	رد فرضیه	فاقد رابطه
متغیرهای کالبدی ← متغیرهای اقتصادی	۰/۵۹۳	۳/۶۱۰ **	تأیید فرضیه	افزایشی
متغیرهای محیطی ← متغیرهای اقتصادی	-۰/۶۲۳	-۴/۱۹۵ **	تأیید فرضیه	کاهشی
متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای کالبدی	۰/۳۳۶	۲/۶۲۶ **	تأیید فرضیه	افزایشی
متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای محیطی	-۰/۲۵۷	-۲/۲۰۶ **	تأیید فرضیه	کاهشی
متغیرهای اجتماعی ← متغیرهای اقتصادی	۰/۳۲۷	۲/۲۱۵ **	تأیید فرضیه	افزایشی

** مقادیر بزرگ‌تر از ۱/۹۶ معنادار در سطح ۰/۰۵، * مقادیر بزرگ‌تر از ۱/۶۴ معنادار در سطح ۰/۱ مأخذ: نگارندگان

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

رضایت‌مندی و حضور مردم در محلات از جمله مهم‌ترین مواردی است که امروز در ارزیابی محلات موفق مورد بحث قرار می‌گیرد. تحلیل و ارزیابی شرایط کیفی محیط‌های سکونتی به‌واسطه روش‌های کمی و مدل‌های تجربی، رویکردی است که امروزه برای شناسایی سطح کلی کیفیت محیط به کار می‌رود. در این میان، دست پیدا کردن به نتایج نزدیک به واقعیت و قابل‌اعتماد که مبنای برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری پیرامون راهکارهای اقدام و مداخله کالبدی و غیر کالبدی در محیط‌های مسکونی قرار گیرد؛ مشروط به کاربرد آن دسته از رویکردهای سنجش کیفیت محیط است که بر ارزیابی دیدگاه‌های ساکنان در مورد وجوه مختلف محیط سکونتی آنان استوار می‌باشد. با لحاظ داشتن این واقعیت، در پژوهش حاضر برای سنجش رابطه بین متغیرهای اقتصادی، کالبدی و محیطی و اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر رضایت‌مندی از سکونت در محلات مورد بررسی در شهر کرمان از رویکردی مخاطب محور استفاده شد.

با توجه به هدف پژوهش که سنجش رابطه متغیرهای اقتصادی بر متغیرهای کالبدی، محیطی و اجتماعی و در نتیجه سنجش رضایت‌مندی در هر یک از محله‌های مورد بررسی بوده است می‌توان گفت با توجه به ضرایب همبستگی محاسبه‌شده و شدت رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار بر متغیرهای اقتصادی و کالبدی، در هر چهار محله مورد بررسی بیشترین رابطه را با متغیرهای کالبدی به ترتیب مؤلفه برتری‌های نسبی و سرمایه‌گذاری داشته‌اند؛ بنابراین سیاست‌های بازآفرینی باید در راستای بهبود عوامل تأثیرگذار بر متغیرهای اقتصادی باشد تا بتوان کیفیت محیط ساخته‌شده را ارتقا بخشید و باعث افزایش حس رضایت در محله مورد نظر شد.

در رابطه بین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر متغیرهای اقتصادی و محیطی می‌توان گفت در محله شورا، مظفری و قلعه محمود بیشترین رابطه را با متغیرهای محیطی به ترتیب مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری و برتری‌های نسبی داشته‌اند. در محله گنجعلیخان شدت تأثیر مؤلفه‌های برتری‌های نسبی و سرمایه‌گذاری بر متغیرهای محیطی به یک میزان بوده است بنابراین با توجه بیشتر بر عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر متغیرهای محیطی در محلات مورد بررسی که مهم‌ترین آن‌ها آلودگی‌های بصری بوده است می‌توان شرایط زیست‌محیطی و رضایت‌مندی ساکنان را افزایش داد. سیاست‌های بازآفرینی می‌توانند در جهت تخصیص بودجه برای ساماندهی نماهای ساختمان‌های فرسوده و همچنین روبه‌زوال باشد.

در رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار بر متغیرهای کالبدی و اجتماعی می‌توان گفت در محله شورا بیشترین رابطه را با متغیرهای اجتماعی به ترتیب مؤلفه‌های بناها و فضاها، تسهیلات و خدمات و دسترسی داشته‌اند. در محله

گنجعلیخان بیشترین رابطه را با متغیرهای اجتماعی به ترتیب مؤلفه‌های تسهیلات و خدمات، دسترسی و بناها و فضاها داشته‌اند. در محله مظفری با توجه به شدت رابطه بین متغیرهای پژوهش بیشترین رابطه را با متغیرهای اجتماعی به ترتیب مؤلفه‌های دسترسی، بناها و فضاها و تسهیلات و خدمات و در محله قلعه محمود بیشترین رابطه را با متغیرهای اجتماعی به ترتیب مؤلفه‌های تسهیلات و خدمات، بناها و فضاها و دسترسی داشته‌اند. در این راستا سیاست‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا باید با ارتقای کیفیت کالبدی و استفاده دوباره از میراث معماری و فراهم آوردن بستری برای پذیرش رویدادهای فرهنگی و فعالیت‌های مبتنی بر فرهنگ و هنر، موجب می‌شود تا تصویر بهتری برای محلات مورد بررسی شکل بگیرد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که در هر چهار محله مورد بررسی بین آلودگی‌های بصری، آلودگی صوتی و آلودگی‌های محیطی با متغیرهای اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد ($p < 0.05$). این رابطه به صورت معکوس (کاهشی) است. در رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای محیطی و متغیرهای اجتماعی می‌توان گفت در محله‌های شورا، گنجعلیخان، مظفری و قلعه محمود بیشترین رابطه را با متغیرهای اجتماعی مؤلفه آلودگی صوتی داشته است؛ بنابراین با توجه به اهمیت آلودگی‌های صوتی در احساس رضایت ساکنین از محله، سیاست‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا می‌تواند در راستای جابجایی کاربری‌های مزاحم و پر سروصدا از محله و جایگزینی آن‌ها با فضاهای فرهنگی بیشتر در محله و همچنین طراحی مناسب و محله‌ای شبکه معابر باشد.

با توجه به نتایج حاصل از معادلات ساختاری (چگونه تغییرات اقتصادی بر حس رضایت‌مندی از محله تأثیرگذار است) در هر چهار محله مورد بررسی با بهبود متغیرهای اقتصادی می‌توان میزان رضایت از محیط سکونت را افزایش داد. نتایج به دست آمده مشابه و در راستای پژوهش‌های محیط و رشید (۲۰۱۰) در مالزی، چن و همکاران در دالیان چین می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل سوال دوم پژوهش (چگونه سیاست‌های بازآفرینی با تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی، محیطی کالبدی و اجتماعی بر حس رضایت‌مندی از سکونت در محلات مختلف تأثیرگذار است) در هر چهار محله متغیرهای اقتصادی بر متغیرهای کالبدی، محیطی و اجتماعی اثر داشته و در نتیجه میزان رضایت از محیط سکونت تأثیر متفاوت دارند و درجه اهمیت هر یک از این متغیرها در محلات مورد بررسی متفاوت است. شدیدترین رابطه میان متغیرهای اقتصادی و کالبدی در محله شورا، بین متغیرهای اقتصادی و محیطی در محله مظفری می‌باشد. همچنین در محله مظفری بین متغیرهای اقتصادی و اجتماعی رابطه مستقیم معناداری وجود ندارد ($p > 0.05$). همچنین این نتایج با نتایج حاصل از تحقیقات السینگا و هوکسترا (۲۰۰۵)، محیط و رشید (۲۰۱۰) ویدرمن و اندرسون (۱۹۸۵) در یک راستا می‌باشد.

همچنین در دو محله ارگ - گنجعلیخان، مظفری با توجه به معادلات ساختاری رابطه به صورت کاهشی وجود دارد به عبارتی با کاهش عوامل منفی محیطی شرایط اجتماعی محله رو به بهبود خواهد رفت. در این میان تنها در محله شورا و قلعه محمود بین این متغیرها رابطه‌ای وجود ندارد. شدیدترین رابطه بین متغیرهای محیطی و اجتماعی در محله مظفری می‌باشد. نتایج به دست آمده در راستای پژوهش‌های انجام شده توسط آدو (۲۰۱۶) در پایتخت کشور غنا، بوناییتو (۲۰۰۳)، خائف و زبردست (۲۰۱۵)، چن و همکاران (۲۰۱۳)، ورجک (۱۹۷۵)، می‌باشد.

همچنین در محله مظفری بین متغیرهای کالبدی و اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد ($p > 0.05$). نتایج حاصله با پژوهش حبیبی پور و کوچکی در سال ۲۰۱۷، جیانگ و همکاران (۲۰۱۷)، ها و وبر (۲۰۰۸)، در یک راستا است که نقش عوامل کالبدی را در افزایش حس تعلق و رضایت مؤثرتر می‌داند.

با توجه به آزمون بوت استرپ نقش میانجی متغیرهای محیطی و کالبدی در رابطه عوامل متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی برابر با (۰/۰۰۱) به دست آمد که بر این اساس، اثر میانجی‌گری متغیرهای کالبدی و متغیرهای محیطی در رابطه بین متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی تأیید می‌گردد.

در نهایت باید گفت با بهبود شرایط اقتصادی، کالبدی و محیطی در محلات مورد بررسی می‌توان متغیرهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه حس رضایت‌مندی از سکونت را افزایش داد. این موضوع با نتایج تحقیقات جیانگ و همکاران (۲۰۱۷)، آبییم (۲۰۱۳)، بوناییتو در سال ۲۰۱۷ در یک راستا است و مؤید یافته‌های ایشان است. نکته آخر اینکه، شناسایی عوامل مؤثر در میزان رضایت و نارضایتی سکونتی ساکنان، می‌تواند در جهت تحلیل وضع موجود سکونتی، تصمیمات آینده به‌منظور ارتقاء سطح کیفی محدوده‌های سکونتی افراد، شکل‌گیری سیاست‌های بازآفرینی مناسب برای مواجهه با مشکلات این محلات و همچنین جلوگیری از تکرار نواقص در سایر مکان‌ها مؤثر واقع گردد. البته لازم به ذکر است نتایج حاصل از این پژوهش را نمی‌توان به محلات دیگری تعمیم داد. مطالعه و بررسی این موضوع در سایر محلات نیازمند برداشت میدانی و توزیع پرسشنامه در محیط می‌باشد؛ زیرا در محله‌های مورد بررسی نیز تأثیر متغیرهای اقتصادی بر متغیرهای محیطی و کالبدی و همچنین اجتماعی و در نتیجه رضایت‌مندی متفاوت بوده و هر محله نیازمند رویکرد خاص و متفاوت خود می‌باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان با برنامه‌ریزی و اقدام صحیح و مؤثر در حوزه هر یک از این عوامل چهارگانه و بهبود شرایط، میزان رضایت‌مندی ساکنین را در محله‌های مورد بررسی بالا برد. سیاست‌های بازآفرینی فرهنگ مبنا مانند استفاده از تندیس‌ها و نمادهای مرتبط با ویژگی‌های فرهنگی مردم در فضاهای موجود به منظور هویت‌زایی، برگزاری کلاس‌های آموزشی و پرورشی برای ساکنین، برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی-هنری، استفاده از روشنایی مناسب در فضاهای باز محله ای و میادین اجتماعی جهت تأمین امنیت بیشتر، ارتقای سطح ایمنی سواره و پیاده، جلب مشارکت ساکنین در تصمیم‌گیری، مدیریت و تأمین منابع مالی پایدار برای معاصر سازی بناهای واجد ارزش جهت استفاده‌های فرهنگی و اجتماعی، ارائه گزارش فعالیت‌های انجام شده به ساکنین محله و استفاده از نظریات آن‌ها و دخالت دادن آن‌ها در روند تصمیم‌سازی (که یکی از سیاست‌های مؤثر در افزایش شناخت همسایگان از یکدیگر و افزایش همبستگی اجتماعی می‌باشد)، تأثیر مثبتی در جهت افزایش رضایت‌مندی خواهند داشت و می‌توان در جهت سرزندگی و پایداری محلات مورد بحث از آن‌ها یاری جست.

منابع

- Abdul Ghani, S. and Noraini, Y., (2006). **Residential satisfaction in Low cost Housing in Malaysia**, Report of Research, Funded by USM short-term research Grant.
- Abdul Mohit, M., Ibrahim, M. and Razidah Rashid, Y., (2010). **Assessment of residential satisfaction in newly designed public lowcost housing in Kuala Lumpur**, Malaysia, *Journal Habitat International*, 34: 18-27.
- Addo, Irene Appeaning, (2016), **assessing residential satisfaction among low-income households in multi-habited dwellings in selected low-income communities in Accra**, *Urban Studies Journal*, pp. 1-20, sagepub.co.uk/journalsPermissions.nav DOI: 10.1177/0042098015571055.
- Amole, dolapo. (2009), **Residential satisfaction in student's housing**, *Journal of environmental psychology* 29, 76-85.
- Bonaiuto, M., Fornara, F., (2017), **Residential Satisfaction and Perceived Urban Quality**, Reference Module in Neuroscience and Biobehavioral Psychology, <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-809324-5.05698-4>.
- Bonaiuto, M; Fornara, Ferdinando & Mirilia, Bonnes (2003), **Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome**, *Landscape and Urban Planning*, 65, 41-25.
- Calvino, I., (1974), *Invisible cities*, Picador, London.
- Campbell, P., Cox, T., O'Brien, D., (2017), **The social life of measurement: how methods have shaped the idea of culture in urban regeneration**, *Journal of Cultural Economy*, 10:1, 49-62, DOI: 10.1080/17530350.2016.1248474
- Campbell, S (1996), **Green cities, growing cities, just cities? Urban planning and the contradictions of sustainable development**, *Journal of American Planning Association*, 62, 296- 312.
- CDMS (Department for Culture Media and Sport), (2004), **the Contribution of Culture to Regeneration in the UK**, London Metropolitan University, London.
- Chen, L., Zhang, W., Yang, Y. and Yu, J., (2013). **Disparities in residential environment and satisfaction among Urban residents in Dalian**, China, *Habitat International*, 40:100-108.
- Clark, I., Sutherland, J., & Young, G., (1995), **Mapping Culture: A Guide for Cultural and Economic Development in Communities**, Canberra, AGPS.
- Colantonio, A., Dixon, T., (2011), **Urban Regeneration & Social Sustainability: Best Practice from European Cities**.
- Dane, G. Z., Griglon, A. B., Rasouli, S., & Timmermans, H. (2014). **Determinants of residential mobility intentions: A mixed binary Logit model**. The 19th international conference of Hong Kong Society for transportation studies. 12. (pp. 1-8). (Hong Kong, China).
- Dargan, L. (2007), **“Conceptualising Regeneration in the New Deal for Communities”**, *Planning Theory & Practice*, 8(3), 345-362.
- Elsinga, M., Hoekstra, J., (2005), **Homeownership and housing satisfaction**, *Journal of Housing and the Built Environment*, 20(4), 401-424
- Evans, G. (2003), **Hard-Branding the Cultural City – From Prado to Prada**, *International Journal of Urban and Regional Research*, Volume 27.2, June, pp. 417-440.
- Francescato, G. (2002), **Residential satisfaction research: The case for and against**. In: **J.I. Aragonés**, G. Francescato and T. Garling (eds.) *Residential Environments – Choice, Satisfaction and Behaviour*. Westport, CT: Bergin & Garvey, pp. 15-34

- Fung, Y.W. and Lee, W.L., (2014). **Development of price models for architectural and environmental quality for residential developments in Hong Kong**, Habitat International, 44: 186-193
- Galster, C., and Hesser, G. 1981. **Residential satisfaction: Compositional and contextual correlates**, Journal of Environment and Behavior, 13(6): 735-758.
- Ge, J & Hokao K (2006), **Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the Viewpoints of Residential Preference**, Residential Choice and Residential Satisfaction, Landscape Urban Plan, 78(3), 165-178.
- Ghosh, S., (2006). **Residential Differentiation**, Mobility and Satisfaction. Chapter 12. INRS-Urbanisation, Quebec, Canada, Retrieved December 2009, from [http://www.docstoc.com/docs/32017992/Residential-Differentiation-Mobility and satisfaction](http://www.docstoc.com/docs/32017992/Residential-Differentiation-Mobility-and-satisfaction), pp198-216
- Gibson, M., Kocabaş, A., (2001), **“London: Sustainable Regeneration- Challenge and Response”**. Paper presented to the Rendezvous Istanbul: 1. International Urban Design Meeting, Mimar Sinan University, Istanbul, Turkey.
- Ha, M., and Weber, M. J. (1994), **Residential Quality and Satisfaction: Toward Developing Residential Quality Indexes**, Home Economics Research Journal, 22 (3):296-308.
- Habibpour Kouchaki, Nazanin, Hosseini, Seyed-Bagher, Yazdanfar, Seyed-Abbas Norouzian-Maleki, Saeid (2017), **An Investigation of the Effective Factors on Yusef Abad Residents’ Satisfaction in Shafagh Park**, Armanshahr Architecture & Urban Development, 10(18), 47-57.
- He, L., & Yang, C. (2011). **Housing satisfaction of urban residents and its influential factors**. Journal of Public Management, 8(2), 43–51.
- Hu, F. (2013). **Homeownership and subjective wellbeing in urban China: Does owning a house make you happier?** Social Indicators Research, 110(3), 951–971.
- Huang, X., Dijst, M., van Weesep, J., & Zou, N. (2014). **Residential mobility in China: Home ownership among rural-urban migrants after reform of the Hukou registration system**. Journal of Housing and the Built Environment, 29(4), 615–636.
- Huang, Z., & Du, X. (2015). **Assessment and determinants of residential satisfaction with public housing in Hangzhou, China**. Habitat International, 47, 218–230.
- Ibem, E. and Aduwo, E. 2013. **Assessment of residential satisfaction in Public housing in Ogun State**, Nigeria, Habitat International, 40: 163-175.
- Jansen, S.J.T. 2014. **The impact of the have want discrepancy on residential satisfaction**, Journal of Environmental Psychology, 40:26-38.
- Jiang, Wen, Feng, Tao, Timmermans, Harry, Li, Heping, (2017) **A gap-theoretical path model of residential satisfaction and intention to move house applied to renovated historical blocks in two Chinese cities**, Cities 71, 19–29.
- Kesalkheh, S., Dadashpoor, H., (2012). **Assessment Residential Environmental Quality of Traditional and New Neighborhoods, in a Rapid Grown City**, Tehran, New and Traditional Residential Environments, ISOCARP Congress 2012.
- Khaef, S & Zebardast, E., (2015), **Assessing quality of life dimensions in deteriorated inner areas: a case from Javadieh neighborhood in Tehran metropolis**, open access. In: Social indicators research
- Lansing, J.B & R.W. Marans (1969), **Evaluation of neighborhood**, Journal of the American institute of planners, 35, 195-199.

- Marans, R. W. (2010). **Quality of Urban Life Studies: An Overview and Implications for Environment-Behaviour Research**, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 11 (2/32), 9 – 22
- Miles, S. (2005), “**Our Tyne’: Iconic Regeneration and the Revitalisation of Identity in Newcastle Gateshead**”, *Urban Studies*, 42(5/6), 913–926.
- Ren, H., Folmer, H. (2016). **Determinants of residential satisfaction in urban China: A multi-group structural equation analysis**, *Urban Studies*.
- Richards, G. and Wilson, J. (2004), **the Impact of Cultural Events on City Image: Rotterdam**, *Cultural Capital of Europe 2001*, *Urban Studies*, 41(10), 1931–1951.
- Roberts, P. (2000). “**The evaluation, definition and purpose of urban regeneration**”, in **P. Roberts and H. Syke (eds.)**, *Urban Regeneration, A Handbook*. British Urban Regeneration Association, SAGE Publications, London, pp. 9–36
- Sacco, P. Luigi and Blessi, G. Tavano (2007), **Urban Regeneration**, Culture and Happiness; Bridging Communities through Cultural Policies: A Theoretical Framework, *Policy for Happiness*, Siena, pp. 15 – 16.
- Said, S. Y., Aksah, H., Ismail, E. D. (2013), “**Heritage Conservation and Regeneration of Historic Areas in Malaysia**”, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*: 105, pp. 418 – 428.
- Schmidt, D., R. Goldman, N. Feimer., (1979). **Perceptions of Crowding**, *Environment and Behavior*, 11: 105-130.
- Smith, Carlin. Gorgia Levermore., (2008). **Designing Urban Spaces and Buildings to Improve Sustainability and quality of Life in a Warmer World**. *Energy Policy*, 36 (2).
- Stevenson, D., (2003), **Cities and urban culture**, McGraw hill education, Open University press, Berkshire
- Tu, K., Lin, L., (2008). **Evaluative structure of perceived residential environment quality in high – density and mixed – use urban setting: An exploratory study on Taipei City**, *Landscape and urban planning*, 87, 157–171.
- Varady. D.p, Carrozza, M. A., (2000). **Toward a better way to measure customer satisfaction levels in public housing: A report from Cincinnati**, *Housing Studies*, 15(6), 797-825.
- Vera-Toscano, E., Ateca-Amestoy, V., (2008), **the Relevance of Social Interactions on Housing Satisfaction**, *Social Indicators Research*, 86(2), 257-274
- Waxman, Lisa Kinch, (2004), **More Than Coffee: An Examination of People, Place, and Community with Implications for Design**, Ph.D. Thesis, Florida State University.
- Waziri, A. G., Yusof, N., & Abd Rahim, N. M. S., (2014). **Occupants housing satisfaction: Does age really matter?** *Urban, Planning and Transport Research*, 2(12), 341–353.
- Wiederman, S., Anderson, J.R., (1985), **A Conceptual Framework for Residential Satisfaction**, *Home Environments*, pp. 153-182.